

گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان
(مارکسیست لنینیست مائوئیست)

پاسخ مختصری به یک نامه رسیده

بتاریخ 25 نوامبر 2010 نامه آقای برهان عظیمی را از طریق سایت "شورش" دریافت کردیم که متن آن از این قرار است.

بادرود سرخ به رفقای عزیز مائوئیست افغانستان (سایت شورش و عقرب 3 که منظورش سایت 3 عقرب است توضیح از ماست).

باسپاس از اینکه به نقد نظرات حزب کمونیست ایران (م ل م) پرداختید.

رفقا من یکی از هواداران حزب کمونیست (م ل م) ایران می باشم. ونقد شما را خواندم، اما تعجب من این است که چرا شما به نشریات حقیقت برای تحقیق در مورد صحت یا سقم حکم تان از اینکه آیا واقعاً حزب کمونیست ایران (م ل م) در تحلیل و ارزیابی خط رویزیونیستی حزب کمونیست نپال (مائوئیست)، عاجز بوده است رجوع نکرده اید. شما رفقا بدون تحقیق حرف زده اید و بقول رفیق مائو صحبت کردن بدون تحقیق بر ازنده کمونیستها نیستن. من با تحلیل شما رفقا در مورد اینکه حزب کمونیست ایران (م ل م) از دست زدن به تحلیل در مورد انحراف اساسی رفقای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) عاجز بوده اند، موافق نیستیم در آن نوشته تان نوشته اید که: "برعکس در همان سال در اجتماعی درکتمند و پایتخت نپال به دعوت حزب کمونیست نپال (مائوئیست) تشکیل شده بود، احزاب و سازمانهای عضو (جا) در آن شرکت کردند و بجای نقد صریح انحراف رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) به ستایش از "موفقیتهای" آنها پرداختند که در واقع بنحوی مهترانیدی بود برخط مشی های انحرافی رهبران این حزب. حتی تعدادی از احزاب متشکله (جا) توقف جنگ خلق و خلع سلاح ارتش رهائیبخش خلق و شرکت این حزب در دولت ارتجاعی فئودال کمپرادور نپال و بعد شرکت در انتخابات مجلس موسسان و قرار گرفتن آن در رأس حکومت ارتجاعی را منحصیث پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در نپال (بقول خود آنها در سطح گسترده ای) تجلیل کردند" و در ادامه نوشته اید که: "و نیز حزب کمونیست ایران (م ل م) در نشراتش در چند نوبت صحبت از آستانه پیروزی مرحله انقلاب دموکراتیک نوین در نپال را نمود. و بدین صورت این حزب از تحلیل و ارزیابی علمی و واقعی اوضاع نپال و جهان و از درک تسلط خط و روند و انحرافی در حزب کونیست نپال (مائوئیست) نیز عاجز ماند. (تاکید از من است)

توصیه رفیقانه من به شما رفقا این است که مقالات زیر که در تحلیل از انحرافات غالب بر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از طرف رفقای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران (م ل م) در نامه ای خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) نوشته شده است را بخوانید و پیشنهاد می کنم که پر پایه صداقت انقلابی در زیر همان نوشته نقد خود اینرا برای خوانندگان (بخصوص رفقای عزیز ما ئوئیست افغانستان) خود توضیح دهید. که حزب کمونیست ایران (م ل م) برخلاف تصورات شما تا آنجا که در توان داشت از انحراف رفقای حزب کمونیست نپال تحلیل نموده است.

باسپاس

برهان عظیمی"

تذکر: در اینجا فهمیده نمی شود که چرا آقای برهان عظیمی در نامه اش "مائوئیست های افغانستان" و "سایت شورش" را مخاطب قرار داده است؟ بهر صورت چون منظور نقد نوشته ما بوده؛ لذا ما به آن پاسخ می دهیم.

آقای برهان عظیمی!

ما چندین سال است که مجله " حقیقت " ارگان حزب کمونیست ایران (م ل م) وسایر نشرات این حزب را بطور منظم مطالعه می کنیم ، نه تنها در این نقد اخیر ما که در نوشته های سالهای قبل ما که تحولات نپال رابه بحث گرفته وانحرافات حزب «کمونیست نپال(مائونیست)» را مورد ارزیابی و نقد قرار داده ایم؛ نقد ما در مورد نظرات وموضع گیریهای انحرافی وغیراصولی حزب کمونیست ایران (م ل م) در برابر انحرافات رهبران حزب کمونیست نپال(مائونیست) با استناد با نشرات این حزب بوده است. شما می توانید این نوشته های ما رادر سایت " پیام آزادی " مطالعه کنید. وما خلاف ادعای شما بدون تحقیق به این مسایل نپرداخته ایم. حال توجه نمائید ما بگونه مختصر فقط چند مورد از نظرات ومواضع حزب کمونیست ایران (م ل م) را بعد از تحولات نپال در آغاز سال 2006 میلادی ووضعیّت وموقعیّت حزب کمونیست نپال(مائونیست) در آن، برای شما تذکر می دهیم.

1- در شماره 28 حقیقت منتشره در مرداد 1385 خورشیدی صفحه 12 چنین آمده است: " رفقای عزیز حزب کمونیست نپال (مائونیست) وارتنش رهائی بخش خلق ومردم انقلابی نپال؛ شما فقط برای رها کردن خود نمی جنگید. مبارزه شما در خدمت راهگشائی برای تمام انقلاب پرولتری است زیرا شما برای سرنگون کردن این موانع مانند انقلاب بورژوائی عهد کهن عمل نمی کنید بلکه این اهداف دموکراتیک را از طریق نوینی پیش می برید؛ از طریقى که راهگشای اهداف عالی تر بوده وبه آن منتهی می شود. طنز انقلاب دموکراتیک در عصر امپریالیسم آن است که تنها با درپیش گرفتن چنین طریقى بواقع می توان فتودالیسم را در تمام مظاهر سیاسی، اقتصادی وایدئولوژیک واجتماعی اش ریشه کن کرد. خیزش سیاسی توده ای اخیر برای محوسلطنت در نپال عالی بود. این خیزش بدلیل وجود یک جنگ خلق قدرتمند وارتنش خلق ممکن شد این جنبش سیاسی توده ای محصول کوششهای هفت حزب پارلمانی نبود".

در صفحه 13 زیر همین عنوان چنین می خوانیم: " رفقای عزیز به رفیق پراچندا وتمام رفقای کمیته مرکزی حزب کمونیست نپال(مائونیست) تمام رزمندگان ارتش رهائی بخش خلق وتوده های انقلابی که در مناطق پایگاهی که قدرت سیاسی نوین را برپا داشته اند، درود می فرستیم(مه 2006)".

2- در شماره 30 آبان سال 1385 خورشیدی (21 نوامبر 2006 میلادی) " ویژه انقلاب نپال " چنین آمده است: "در آستانه تولد یک دولت سوسیالیستی توضیح در صفحه 2 این جریده همچنین مورد دیگری از همین عنوان را که در صفحه 3 همین جریده حقیقت درج است، نقل می کنیم : موقعیّت های ارتش رهائی بخش خلق وشکست دولت ارتجاعی در پیش برد نقشه اش، اردوی دولت را دچار بحران شدید کرد. حزب مائونیست با اتکاء به قدرت خود(یعنی مناطق پایگاهی در 80 درصد مناطق روستائی کشور وارتنش رهائی بخش خلق که روزبه روز توده ای ترمی شود) سیاست تاکتیکی ماهرانه را پیش گذاشت وبه هفت حزب پارلمانی پیشنهاد تشکیل جبهه متحد علیه نظام سلطنت راداد. تشکیل این جبهه وامضای پیمان 12 نکته ای میان مائونیستها و7 حزب پارلمانی(ائتلاف 7 حزبی) در نوامبر 2005 دست کمی از یک زلزله سیاسی بزرگ در مقیاس نپال نداشت زیرا برای اولین بار احزاب پارلمانی با مائونیستها علیه شاه صف آرائی کردند. امریکا باعصبانیت این پیمان 12 نکته ای را محکوم کرده وخواهان بهم خوردن این اتحاد وتشکیل اتحادی میان هفت حزب وشاه شد! مرتجعین دیگر(مانند دولت هند) تاکتیک متفاوتی اتخاذ کردند زیرا امیدوار بودند که ائتلاف با 7 حزب می تواند مائونیستها را وادار به تعطیل جنگ خلق وورود به نظام پارلمانی کند."

در جای دیگر در صفحه چهارم زیر این عنوان چنین می خوانیم: " شش ماه تا یکسال آینده دوره ای تعیین کننده برای انقلاب نپال است. این انقلاب بشدت به یاری پرولتاریای انترناسیونالیست نیازمند است. حزب کمونیست نپال(م) وتشکیلات زنان ودانشجویی وکارگری از همه کمونیستها وانقلابیون وفعالین جنبشهای اجتماعی دعوت کرده اند تا از مناطق پایگاهی نپال دیدن کنند واز نزدیک این تجربه انقلابی شورانگیز را ارزیابی نمایند. در چارچوب اوضاع کنونی جهان که سرمایه داری امپریالیستی میلیاردها انسان را به مرگ تدریجی محکوم کرده است، در شرایطی که 30 سال پس از احیای سرمایه داری در چین سوسیالیستی، هنوز یک کشور سوسیالیستی نوین پا بعرصه وجود نگذاشته است. پیروزی یا

شکست انقلاب پرولتری در نپال اهمیت ویژه ای برای اوضاع جهان و آینده انقلاب سوسیالیستی دارد. بطور مشخص در سراسر شبه قاره هند میلیون ها نفر با اشتیاق و نگرانی کشمکش انقلاب و ضد انقلاب در نپال را دنبال می کنند. زیرا می دانند پیروزی این انقلاب تاثیرات شگرفی بر روند تاریخ در آن منطقه خواهد گذاشت: منطقه ای بایبش از یک میلیارد و نیم انسان که در مجاورت صنایع هسته ای و کامپیوتری کاملاً از روند پیشرفت تاریخ کنار گذاشته شده اند. هنگامی که از منظر منافع این صدها میلیون به انقلاب نپال می نگریم درمی یابیم که انقلاب نپال باید پیروز شود!

آقای عظیمی به موارد فوق دقیقاً توجه کنید! از همان ماه نوامبر 2005 میلادی با در نظر داشت محتوای ارتجاعی و ضد انقلابی پیمان 12 ماده ای که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) با ائتلاف هفت حزب ارتجاعی پارلمانی امضا نمود، و همچنین اقدامات عملی خطرناک رهبران این حزب؛ گرایش این حزب بسوی منجلا ب چنان صریح و سریع بود که تا حد زیادی می شد دورنمای تاریک و غم انگیز آن، یعنی به شکست کشاندن انقلاب خلق نپال را به آسانی پیش بینی نمود. و فرجام راه انتخابی رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) جز این نبود. لیکن موضع و نظراین چینی حزب کمونیست ایران (م ل م) درباره سیر حرکت حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در آنوقت، جای بحث زیاد دارد.

3 شماره 32 بهمن 1385 صفحه 19: "از سوی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) اطلاعیه مطبوعاتی سمینار بین المللی درباره ی "امپریالیسم و انقلاب پرولتاریائی در قرن بیست و یکم" که بخشی از جشن های دهمین سالگرد جنگ خلق در نپال بود با شرکت 15 حزب و سازمان مائوئیست، با موفقیت پایان یافت. این سمینار در یک گره گاه تاریخی، در شرایطی که مردم نپال بسوی کسب پیروزی تعیین کننده بردشمنانشان حرکت می کنند و امپریالیسم امریکا که دشمن عمده مردم جهان است در باتلاق جنگهای تجاوزکارانه خود در عراق و افغانستان گیر کرده است، تشکیل شد. در این سمینار بر وجود ظرفیت عظیم در اوضاع جهانی جهت پیش روی انقلابی بزرگ و ضرورت پایان دادن به ضعف موجود نیروهای کمونیست و رها کردن انرژی آن، تأکید شد. حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و حزب کمونیست هند (مائوئیست) نوشته های کتبی به سمینار ارائه دادند، در حالی که دیگر احزاب به صورتی شفاهی نظرات خود را بیان داشتند".

آقای عظیمی! مواضع و نظرات انقلابی، اصولی و قاطع احزاب و سازمانهای عضو (جا) منجمله حزب کمونیست ایران (م ل م) در برابر انحراف رویزیونیستی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در این سمینار از چه قرار بوده است؟! آیا چیزی غیر از آنچه که ما گفته ایم بوده است یا شما استدلال دیگری در این زمینه دارید!

4 شماره 36 آبان 1386 صفحه 4: "حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بعد از 6 ماه از حکومت ائتلافی نپال بیرون آمد. شرح واقعه را سرویس خبری جهانی برای فتح گزارش کرده است. در این گزارش آمده است: "اطلاعیه مطبوعاتی در مورد بخش "استراتژی و تاکتیکهای انقلابی" می گوید» در سند تصریح شده است که حزب، در کنفرانس تاریخی 2001، با انعطاف در تاکتیک و استواری در استراتژی انقلاب دموکراتیک، شعار کنفرانس همه احزاب، حکومت موقت و انتخابات مجلس موسسان را به مثابه تاکتیک فرموله کرد که از زمان جلسه چونوانگ در سال 2005 تا کنون پیش برده شده است. همینطور در رابطه با شعار تاکتیکی جمهوری دموکراتیک رانه به شکل جمهوری پارلمانی بورژوازی در نظر داشته و نه بشکل جمهوری دموکراتیک نوین، این جمهوری، از طریق یک بازسازی گسترده در قدرت دولتی، نقش یک جمهوری چند حزبی در حال گذار را برای حل مشکلات طبقاتی، ملی، منطقه ای و جنسیتی، بازی خواهد کرد".

آقای عظیمی! مطلب فوق را یکبار دیگر به دقت بخوانید؛ و برای اینکه درباره ماهیت انحراف رویزیونیستی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در زیر این "شعار" و مطالب دیگر بیشتر پی ببرید لطفاً نوشته ای ما را تحت عنوان "انعطاف در تاکتیک یا عقب نشینی استراتژی"! در سایت "پیام آزادی" مطالعه نموده و با مطلب فوق مقایسه نمایید.

5 شماره 40 خرداد 1387 صفحه 5 زیر عنوان انقلاب نپال: موفقیت بزرگ با خطر بزرگ!
"..... حزب ما طی 12 سال گذشته (همانند جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و کلیه احزاب شرکت کننده در آن) از حامیان سرسخت جنگ خلق در نپال بوده است پرسشهای زیادی را در اذهان بوجود آورده است. بویژه آنکه متعاقب جنبش عظیم آوریل 2006 در نپال و گسترش قدرت جنگ خلق از روستاها به شهرها، سرمقاله نشریه حقیقت (شماره 30 آبان 1385) پیروزی قریب الوقوع انقلاب نپال را پیش بینی کرد و چشم انداز تشکیل یک دولت سوسیالیستی در نپال را نوید داد. اگرچه در آن شماره نشریه حقیقت، بدرستی بر مشکلات عینی پیش پای این انقلاب و پاره ای ابهامات در تفکر استراتژیک حزب کمونیست نپال (مائونیست) نسبت به مختصات دیکتاتوری پرولتاریا با توجه به تجارب مثبت و منفی دو تجربه بزرگ قرن بیستم در شوروی و چین انگشت گذاشته شد، اما سرمقاله (بویژه عنوان آن) این شبهه را در اذهان دامن زد که مائونیستهای نپالی به زودی قدرت سراسری را کسب خواهند کرد."

آقای عظیمی! همان طور که ما در مبحث قبلی تذکر دادیم، انحراف ایدئولوژیک سیاسی رهبران و کدوهای حزب کمونیست نپال (مائونیست) بصورت آبی و یک شبه شکل نگرفته و انسجام نیافته بوده، طوریکه بعدها افشا شد، در حقیقت ظهور این انحراف رویزیونیستی در حزب سابقه داشته و کمونیستهای انقلابی جهان کمتر از آن اطلاع داشتند و یا هم اطلاع نداشتند. همان بود که با امضای پیمان 12 ماده ای با احزاب ارتجاعی نپال، ماهیت، عمق و گستردگی این انحراف و اثرات سوء آن برای انقلاب و خلق نپال به سرعت آشکار گردید. و اینکه حزب کمونیست ایران (م ل م) سه چهار سال بعد موضع انحرافی قبلی اشرا تصحیح می نماید، نمیتواند مسئولیت نظرات و مواضع انحرافی سالهای قبل اشرا بعهده نداشته باشد. و ما در نوشته های قبلی و در همین نوشته اخیر ما با استناد به همین مواضع غیر اصولی و انحرافی این حزب (تا قبل از نظرات و مواضع نسبتاً درست اخیر آن) در برابر انحراف رویزیونیستی و ضدانقلابی حزب «کمونیست نپال (مائونیست)»، برخورد این حزب را مورد نقد و ارزیابی قرار داده ایم.

6 در اطلاعیه مطبوعاتی ششمین کنفرانس منطقوی احزاب و سازمانهای مائونیست چنین می خوانیم "در این اواخر، ششمین کنفرانس منطقوی احزاب و سازمانهای مائونیست متحد در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در جنوب آسیا، در شرایطی از منطقه و جهان که فرصتها و چالشها، بر زمینه ظهور موج نوین انقلاب جهانی و تعرض ضدانقلابی امپریالیسم امریکا، این دشمن عمده خلقهای جهان مقابل نیروهای مائونیست شدیداً بالا گرفته است، دایر گردید. این وضعیت بطور مشخص در نپال، جائیکه انقلاب دموکراتیک نوین به رهبری حزب کمونیست نپال (مائونیست) به سطح تعیین کننده ای رسیده است، مشاهده می شود... همچنین در این اطلاعیه گفته شده که: در حالیکه در نپال حزب کمونیست نپال (مائونیست) به تصرف قدرت سیاسی نزدیک گردیده است..."

باز هم پراگراف بالا نظرات و مواضع انحرافی و گمراه کننده آن بخش از اعضای (جا) که در این کنفرانس منطقه ای شرکت داشته اند را، به صراحت عیان می سازد.

7 آقای عظیمی! شما ضمیمه نوشته ای در ایمیل ارسالی تان یک نقل از متن گزیده ای یک نامه داخلی حزب تانرا زیر عنوان "نامه به حزب کمونیست نپال (م) از طرف حزب کمونیست ایران (م ل م) بزبان فارسی و انگلیسی نیز ارسال داشته اید که در ماه نوامبر 2006 به کمیته مرکزی حزب کمونیست نپال (مائونیست) فرستاده شده است.

ما این نامه را در شماره 44 حقیقت منتشره اردیبهشت سال 1388 (مطابق 2009 میلادی) مطالعه کرده ایم. در این نامه درباره توافق نامه 12 ماده ای اظهار ناخرسندی شده و از مشکلات این پروسه برای حزب کمونیست نپال (مائونیست) و موفقیتهای این پروسه برفع طبقات ارتجاعی و تحکیم نظام فئودال کمپرادوری نپال سخن رفته و بشکلی انتقاداتی هم از امضای این پیمان توسط حزب کمونیست نپال (مائونیست) مطرح شده است؛ لیکن آنچه که مهم است که در این نامه از اتخاذ موضع جدی و قاطع اصولی در برابر انحرافات رهبران حزب کمونیست نپال (مائونیست) خود داری شده است. و نیز در این نامه درباره ماهیت پیمان 12 ماده ای با احزاب ارتجاعی (ائتلاف پارلمانی نپال) و اثرات منفی آن برای انقلاب نپال تحلیل مختصری صورت گرفته، اما انحراف رویزیونیستی رهبران حزب کمونیست نپال (مائونیست) در امضای این پیمان بگونه صریح افشا نشده است. در نامه این مطلب نیز بیان شده

است که این احزاب ارتجاعی بودند که از پیمان 12 ماده ای نفع بردند و تلاش کردند تا حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را بپای امضای این پیمان و آشتی در جهت تامین منافع طبقاتی شان بکشانند. در جوامع طبقاتی ضد انقلاب از هراشتباه و یا حرکت انحرافی نیروی انقلابی به نفعش بهره برداری مینماید؛ لیکن چیزی که در اینجا مهم است نقش منفی و انحرافی خود رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در این حرکت و در این پروسه بوده است. بعبارت دیگر همین رهبران نقش اصلی ضدانقلابی را در این پروسه داشته و زمینه چینی جهت رابطه گیری با احزاب ارتجاعی نپال و رفتن بپای امضای این پیمان را در این حرکت و در این پیمان ارتجاعی و ضدانقلابی خود رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) داشته اند و نقش آنها در این حرکت تسلیم طلبانه طبقاتی و ملی تعیین کننده بوده است. در غیر آن اگر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) روی مواضع اصولی انقلابی پرولتری استوار می بود و حاضر نمی شد از راه انقلاب انحراف نماید؛ این برای رهبران هفت حزب ارتجاعی و دولت نپال غیر ممکن بود که بتوانند آنرا به این منجلا بکشانند. در صورتیکه اقدامات انحرافی و ضدانقلابی رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) طبق مفاد پیمان 12 ماده ای به سرعت عملی شد و در اولین اقدام ارتش رهائی بخش خلق خلع سلاح شده و تحت مراقبت ملل متحد قرار گرفت، مناطق پایگاهی تقریباً از بین رفت و یا در حال زابین رفتن بود، باز گرداندن اراضی و جایداد ملاکین که توسط دهقانان در جریان انقلاب صادره شده بود، آغاز گردید و حزب در دولت ارتجاعی شرکت کرد؛ دیگر چه آینده ای نیکوی را می شد به این حزب و این انقلاب پیش بینی کرد، تا مانند متن و لحن نامه متذکره با رهبران حزب «کمونیست نپال (مائوئیست)» برخورد صورت می گرفت! همچنین در مقدمه این نامه تذکر رفته که محتوای اصلی این نامه به انگلیسی در اواخر سال 2008 جهت آگاهی عموم، بخصوص برای اطلاع صفوف و پایه های حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بطور علنی منتشر شده است. اما انتشار این نامه برای خلق نپال و خاصاً صفوف حزب «کمونیست نپال (مائوئیست)» بعد از سه سال (که دیگران انقلاب به شکست کشانده شده و از آن اثری باقی نمانده است)، چه اثرات روشنگرانه و یا آگاهی دهنده ای را می توانست در قبال داشته باشد؟ بهر صورت در محتوای این نامه در مقایسه به مواضع دیگر این حزب در برابر انحرافات حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که در مباحث قبلی به آنها اشاره شد، تفاوت دیده می شود. همچنین ملاک ارزیابی و قضاوت ما درباره مواضع غیر اصولی حزب کمونیست ایران (م ل م) در برابر انحرافات رویونیستی حزب «کمونیست نپال (مائوئیست)»، همان مواضع و نظراتی است که در شماره های جریده حقیقت خاصاً شماره ویژه انقلاب نپال (شماره 30 حقیقت آبان سال 1385) و شماره های بعدی آن انتشار یافته است، نه این سند داخلی حزب کمونیست ایران (م ل م) به حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که در سال 2009 بدسترس جنبش کمونیستی قرار داده شده است. این بود پاسخ کوتاهی به نامه ارسالی شما. و در صورت لزوم در رابطه به این مسایل و مسایل دیگر از این قبیل در آینده به تفصیل توضیحاتی ارائه خواهیم کرد.

29 نوامبر 2010